

ساقه نیلوفری روید در مرداب زهر!

ای همه گل‌های عطر آگین رنگین!

این جسارت را نبخشاید بر او،

این جسارت را نبخشاید!

جرم نابخشودنی این است:

"نشستی چرا بر جای خویش؟"

جای من بالای این دار است با این تاج خارا!

در گذرگاهِ شما این تاج، تاج افتخار

جای من، تا ساعتی دیگر، از این دنیا جداست،

جای من دور از تباهی‌های دنیای شماست؛

ای همه رقصان

درون قصر باورهای خویش!

دکلمه

سالها زود گذشت، در پی او که، مرا ترک نکند
در این دنیا، نمی دانستم، او در پیام بود
با عشق الهی، روح و قلبم از، هر جا که روم
رویت را می بینم، هر جا که روم
تو نور راهم هستی، هر جا که روم
با من هستی، اکنون که مرا
به محبت اسیر ساختی ای عیسی
منارم باش به کجا روم

از حضور تو، خداوند هر جا روم، تو نزدیکی به من، هر جا که روم
رویت را می بینم، هر جا که روم، آوایت شنوم، هر جا که روم

تو نور راهم هستی، هر جا که روم، با من هستی
رویت بینم هر نطقه و هر ساعتی از زندگیم
نزدیک باش، کنارم باش
با عشق خود هر دم، هر جا که روم
رویت را می بینم، آوایت شنوم
تو نور راهم هستی، با من هستی، هر جا که روم
رویت را می بینم، هر جا که روم

(آوایت شنوم، هر جا که روم، تو نور راهم هستی، هر جا که روم
با من هستی، هر جا که روم، رویت را می بینم، هر جا که روم) (۲)

I was wasting time
Oh so sure to find somebody
Who'll never go
How could I know
None I'd found was true
None could be but you
The only one love divine
My heart, my mind are yours

Everywhere I go I see your face through the crowd
Everywhere I go I hear your voice clear and loud
Everywhere I go you are the light that I seek
Everywhere I go you have found me

Where could my heart go, Where you wouldn't know to find me?

Far, far from here, Still you are near to me
Everywhere I go I see your face through the crowd,
Everywhere I go I hear your voice clear and loud
Everywhere I go you are the light that I seek
Everywhere I go you have found me

I have seen you in the evening, In the morning light you hold me
Closer than the air around me, You surround me always

Everywhere I go I see your face through the crowd
Everywhere I go I hear your voice clear and loud
Everywhere I go you are the light that I seek
Everywhere I go you have found me

(Repeat chorus three times)

Everywhere I go By: Amy Grant

۱- سپاس باد تو را فرزند مهرت

مسیح عیسی که جان داد در راه امت

هلویاه باد عزت هلویاه آمین؛ هلویاه باد حرمت نو ما را آفرین

۲- سپاس و تمجید از آن محبت

ظاهر کرد مسیح را که بزدود ظلمت

هلویاه باد عزت هلویاه آمین؛ هلویاه باد حرمت نو ما را آفرین

۳- منجی ما عیسی کشیده زحمت

برده از ما عصیان شد رفع خجالت

هلویاه باد عزت هلویاه آمین؛ هلویاه باد حرمت نو ما را آفرین

۴- عیسی به خونسش ما را از ذلت

خرید و رهبر شد از راه شفقت

هلویاه باد عزت هلویاه آمین؛ هلویاه باد حرمت نو ما را آفرین

۵- مسیحا بنما دل پر از شوقت

هر جان افروخته به آتش حبت

هلویاه باد عزت هلویاه آمین؛ هلویاه باد حرمت نو ما را آفرین

۱- ستاره‌ای در سما درخشید؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
انوارش بر شبانان تابید؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
ملائک در حال تمجید؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
عیسی مسیح امشب مولود گردید؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
۲- عیسی مسیح را در آخور دیدند؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
آن شبانان او را پرستیدند؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
مجوسیان زانو زدند؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
به شاه شاهان هدیه دادند؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
۳- امروز میلاد عیساست، شاد باشیم؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
با شادی او را از دل سراییم، لا لا لا لا لا لا لا لا.
خداوند را پرستیم؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.
کوهها را با سرود تکان دهیم؛ لا لا لا لا لا لا لا لا.

- ۱- ستاره‌ای نو پرتو افشانده، بر مجوسیان شد درخشان
شدند بسوی عیسی شتابان، جایکه نور شد بر او تابان (۲)
- ۲- فرشته‌ها نیز در آسمان، چون ظاهر شدند بر شبانان
با شادی سرودند این ندا را، میلاد مسیح شاه شاهان (۲)
- ۳- عیسی بره خدا آمد، بهر نجات انسان آمد
مژده خوشی عظیم آمد، بهر گنهکار منجی آمد (۲)
- ۴- خدا را در آسمان جلال باد، سلامتی نیز بر زمین باد
در میان مردم رضامندی، نام قدوسش مبارک باد (۲)

ستاره سحر، بزودی می آید، ابر تیره رود، صبح شادی آید
کلمه حیات، در شکوه و جلال، بر طبق وعده اش، بزودی می آید
کوهها شادی کنند، نهرها دستک زنند، جهان زانو زند او می آید
نغمه بربط و چنگ و بانگ شادی، فریاد پیروزی او می آید

عیسی شاه شاهان، بزودی می آید، ظلمت می گریزد، نور جهان آید
خداوند قدیر، خداوند مشیر، چنانکه فرموده، بزودی می آید
کوهها شادی کنند، نهرها دستک زنند، جهان زانو زند او می آید
نغمه بربط و چنگ و بانگ شادی، فریاد پیروزی او می آید

کلیسا در دعا، بیدار و هوشیار باش، داماد آسمانی، ناگه آید
هان ای گرانباران، ای پراکندگان، ای دلشکستگان، او می آید
(کوهها شادی کنند، نهرها دستک زنند، جهان زانو زند او می آید)
نغمه بربط و چنگ و بانگ شادی، فریاد پیروزی او می آید (۲)

۱- ستایش به نام خدا خالق موجودات

ای جان پرستش کن خدا را چون او هست نجات
شادی کنان، با یکدیگر مومنان
نمایید با او مناجات

۲- ستایش به نام خدا نیکو پروردگار

حیات به تو بخشیده باشد ترا نگهدار
از کرامت، تمام خواهشهایت
برآورده است آشکار

۳- ستایش به نام خدا سرچشمه قوت

نیکویی می کند هم رحمت و هم محبت
شگفت آور، بود رحمت دادگر
به تو گر کند رفاقت

۴- ستایش به نام خدا از دل و جان کنید

ای تمامی موجودات او را سپاس خوانید
با هم آمین، سرایند همه زمین
با شادی او را سرایید

ستایشت می‌کنم خداوندم
تا ابد جلال بر نامت باد
با تمام وجودم ای خداوند
در حضورت باشم شادمان
ای خدای قادر مطلق
نام پر جلالت در عیسی است
اوست که مرد و دفن شد بعد زنده گشت
زندگی ما با او زیباست

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۱- بره خدا جانش را در راه نجات مردم قربانی کرد؛
لایق است که او باشد صاحبِ جلال و قوت، حکمت و دولت.

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۲- لیاقت داری طومار را از پدرت بگیری، مهرش باز کنی؛
لیاقت داری آن را بخوانی، چونکه جانت را قربانی کردی.

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۳- به خون خود مردم را از هر ملت خریده و آزاد کرده‌ای؛
ایشان را مثل هدیه‌ای زیبا، بحضور وی تقدیم کرده‌ای.

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۴- ایشان را به سلطنت رساندی، مثل کاهنان خدای ما؛
ستایش می‌کنیم نام تو را، خداوند ما، خداوند ما!

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۱- بره خدا قربانی کرده جان عزیزش در راه مردم؛
لایق است که او باشد صاحبِ جلال و قوت، حکمت و دولت.

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۲- لیاقت داری از پدر گیری، طومار حیات مهرش باز کنی؛
لیاقت داری آنرا بخوانی، چونکه جانت را قربانی کردی.

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۳- با خون پاکت مردمان از هر قوم خریده‌ای؛
ایشان را مثل هدیه، به خدا تقدیم کرده‌ای.

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

۴- ایشان را به سلطنت رساندی، مثل کاهنان خدای ما؛
ستایش کنیم بره بی عیب، خداوند ما، خداوند ما!

ستایش، حرمت، جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره تا ابدالآباد! (۲)

ستایش، ستایش، ستایش

تنها لایق تو

قدّوس، قدّوس، قدّوس

پسر خدا

پر شکوهی، پُر جلالی، شاه شاهان

پُر ساز قلبها را (۲)

با مسحت، ارادهات، و کلامت

لبریز کن ما را (۲)

ستایش کن خدایِ نیکِ خود را؛ نگیرِ زانو به غم از بهرِ دنیا
بده با جان و دل مشکلِ خود را
که او آسان کند مشکلِ ما را (۲)

هللویا، هللویا، هللویا؛ هللویا، هللویا، ای عیسی (۲)

هللویا خداوندم ستایم؛ به شادی و به رقص بهرش سرایم
که او وعده بداد و کرده اجرا
ستایم، می ستایم، نام او را (۲)

هللویا، هللویا، هللویا؛ هللویا، هللویا، ای عیسی (۲)

نباشم فکر امروز و نه فردا؛ که بهرم کرده او یک دم مَهیّا
سراییم نام او یک دل به هر جا
ستاییم و سراییم نامِ عیسی (۲)

هللویا، هللویا، هللویا؛ هللویا، هللویا، ای عیسی (۲)

خداوند را ستایش بهرِ عیسی؛ که بخشیدش به ما بهرِ کلیسا
بنایش می کند، چون وعده او داد
که او سر باشد و بدن کلیسا (۲)

هللویا، هللویا، هللویا؛ هللویا، هللویا، ای عیسی (۲)

Setaayesh kon Khodaaye nik-e khod raa; Naghir zaano be gham az bahre donya
Bede baa jam o del moshkel-e khod raa
Ke Oo aasaan konad moshkel-e maa raa (2)

Halleluiah, Halleluiah, Halleluiah; Halleluiah, ay Isaa (2)

Halleluiah Khodaavandam setaaya; be shaadi o be raghs bahrash saraayam
Ke Oo vadeh bedaad o karde ejraa
Setayam, misetaayam, name Oo raa (2)

Halleluiah, Halleluiah, Halleluiah; Halleluiah, ay Isaa (2)

Nabaasham fekre emroz o na fardaa; ke Bahram karde Oo yek dam mohayya
Saraayeem naame Oo yek del be har jaa
Setaayeem o saraayeem naame Isaa (2)

Halleluiah, Halleluiah, Halleluiah; Halleluiah, ay Isaa (2)

Khodaavan raa setaayesh bahre Isaa; ke bakhshidash be maa bahr-e kelisaa
Banaayash mikonad, chon vade Oo daad
Ke Oo sar baashad o badan kelisaa (2)

Halleluiah, Halleluiah, Halleluiah; Halleluiah, ay Isaa (2)

سراینده: داریوش

ستایمت، قادرِ حق؛ تو بی همتایی
ستایمت، سرورِ صلح؛ تو تنها شایسته‌ای
حمدت گویم؛ چون تویی عدالتم
ستایمت، قادرِ حق،

تو بی همتایی

I worship you, Almighty God; There is none like you
I worship you, oh prince of peace, That is what I want to do
I give you praise; For you are my righteousness
I worship you, Almighty God,
There is none like you

Se-tayamat, ghade-re hagh; Tou bi hamta-ye
Se-tayamat, sarva-re solh; tou tanha shays-ye
Hamdat gooyam; chon tou-ye edaulatam
Se-tayamat ghade-re hagh,
Tou bi hamta-ye

۱- سخنان زبانم، و تفکر دلم، منظور نظر تو باشد.

ای خدا! منجی ام.

ای خدا! صخره ام.

سخنان زبانم، و تفکر دلم، منظور نظر تو باشد.

۲- سخنان زبانم، و تفکر دلم، منظور نظر تو باشد.

ای خدا! امیدم.

ای خدا! قوتم.

سخنان زبانم، و تفکر دلم، منظور نظر تو باشد.

مزمور ۱۴:۱۹

۱- سخن بگو از عمقهای وجود خود تو با ما (۲)

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۲- بر مذبحهای ما بریز آتش آسمانی (۲)

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۳- بنا نما نمونه آسمان را بر زمین (۲)

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۴- عیسی بریز محبت الهی را تو بر ما (۲)

بریز بریز آتش آسمانی را تو بر ما

پدر بریز آتش آسمانی را تو بر ما

۱- سخن گویم اگر با هر زبانی

ولی در من نباشد مهربانی

وجود من بود بی سود و ناساز فلزی پر صدا سنجی پر آواز
اگر دانم علوم و هم نبوت و گر آگام از اسرار خلقت
گر از ایمان کامل کوه‌ها را توانم منتقل کردن بهر جا
برآید جمله گر اینها ز دستم محبت گر نباشد هیچ هستم
گر اموالم دهم جانم بسوزم نباشد مهربانی نیست سودم

۲- محبت بس حلیم و مهربان است

حسد نشناسد آن آرام جان است

نه اطوار قبیح و نی غروری نجوید نفع خود دارد سروری
نگیرد خشم و سوءظن ندارد ز کژی خوش نگردد راست آرد
همه باور نماید صبر داراست تحمل می‌کند امیدوار است
نگردد ساقط هرگز این محبت ولی نابود گردد هر نبوت
زبانها آخراً پایان پذیرد علوم آخر زوال خویش گیرد

۳- کنون علم و نبوت هر دو جزئیست

چو کامل سر رسد جزئی شود نیست

زمان کودکی فکر و تعقل چو کودک می نمودم بی تأمل
همه گفتار من گفتار طفلان بمردی ترک کردم کار طفلان
کنون در آینه بینیم مبهم در آن وقت آشکارا جمله با هم
شناسایی من جزئی است اینجا شناسم بعد چون گشتم شناسا

سر اومد زمستون، شکفته بهارون

گل سرخِ خورشید باز اومد و، شب شد گریزون (۲)

کوها لاله زارن، لاله‌ها بیدارن

تو کوه‌ها دارن گل گل گل، آفتابو میکارن (۲)

تو ای نورِ عالم، رهایم کن از غم

بتاب بر زمینِ خاکیم، سبز کن روح و جانم (۲)

خدای محبت، پُرم کن ز روحت

ز مهرت مرا لبریز کن و، پر از روح حکمت (۲)

مرا زنده گردون، روان شو چنان خون

بیاور رهایی بهر من و، کشورم ایرون (۲)

بتو تکیه دارم، دقایق شمارم

بدم زندگی مسحی تازه را امیدوارم (۲)

سراییم نامت خداوند (۲)

سراییم نامت را (۲)

سراییم نامت خداوند

Særayim namæt Khodavænd (2)

Særayim namæt ra (2)

Særayim namæt Khodavænd

Sing hallelujah to the Lord (2)

Sing hallelujah (2)

Sing hallelujah to the Lord

شکر گویم تو را خداوند (۲)

شکر گویم خداوند (۲)

شکر گویم تو را خداوند

Shokr guyim to ra Khodavænd (2)

Shokr guyim Khodavænd (2)

Shokr guyim to ra Khodavænd

جلال بر نامت خداوند (۲)

جلال بر نامت باد (۲)

جلال بر نامت خداوند

Jælal bæer namæt Khodavænd (2)

Jælal bæer namæt bad (2)

Jælal bæer namæt Khodavænd

هللویاه حمدت خوانیم (۲)

هللویاه (۲)

هللویاه حمدت خوانیم

Hallelujah hæmdæt kxanim (2)

Hallelujah (2)

Hallelujah hæmdæt kxanim

سراییم نام عیسی را (۲)

او را پرستیم (۲)

سراییم نام عیسی را

* * * * *

Sing hallelujah to the Lord (2)

Sing hallelujah (2)

Sing hallelujah to the Lord

۱. سرچشمه محبت، تثلیث پاک یکتا؛
در ما همه ز رحمت؛ عشقت مزید فرما!
اصل محبت از تست، هرگونه نعمت از تست؛
هر جا که صحبت از تست؛ باشد بهشت آنجا.

۲. ادراک بی نهایت؛ از لذت محبت؛
کردی به ما عنایت؛ شکر تو زدل مسیحا!
دانیم اندر این راه؛ باشد بهر طرف چاه؛
ما را نما تو آگاه؛ از جمله بدیها.

۳. اینک ز رحمت تو؛ اندر محبت تو؛
یک تن شدند این دو؛ همچون تو با کلیسا!
در طی زندگانی؛ در پیری و جوانی؛
آنگونه که تو دانی؛ بر عشقشان بیفزا.

۴. در روزگار سختی؛ در درد و تیره بختی؛
در فقر و تنگدستی؛ نزدیک کن تو دلها.
در عین کامرانی؛ ایام شادمانی؛
از لطف و مهربانی، بپذیر شکر ما را!

۵. این دو کنون خداوند؛ در تو شدند پیوند؛
بخشا که در تو مانند؛ حیات با تو زیبا.
بستند با تو پیمان؛ پیمان به قیمت جان؛
جز موت نگسلد آن؛ توفیق ده خدایا!

سرودها: س - Songs: Sin

آهنگ	مترجم	شعر	بند اول سرودها	ردیف
		فریدون مشیری	ساقه نیلوفری رویید در مرداب زهرا! (کتاب آواز). ۱۳۷۶	۱.
جمیسن		Amy Grant	سالها زود گذشت، در پی او که، مرا ترک نکند. (ساناز)	۲.
			سپاس باد تو را فرزند مهرت	۳.
			ستاره‌ای در سما درخشید؛ لا لا لا لا لا لا لا	۴.
			ستاره‌ای نو پرتو افشاند، بر مجوسیان شد درخشان	۵.
			ستاره سحر بزودی می‌آید	۶.
			ستایش به نام خدا خالق موجودات	۷.
کی نلسون		کاظم ثاقبی	ستایش می‌کنم خداوندم	۸.
و. آوانسیان		و. آوانسیان	ستایش حرمت جلال و قوت، بره خدا جانش را در راه	۹.
و. آوانسیان		و. آوانسیان	ستایش حرمت جلال و قوت، از آن تخت نشین و بره	۱۰.
			ستایش، ستایش، ستایش	۱۱.
		داریوش	ستایش کن خدای نیک خود را	۱۲.
			ستایمت، قادرِ حق	۱۳.
			سخنان زبانم، و تفکر دلم، منظور نظر تو باشد	۱۴.
			سخن بگو از عمقهای وجود خود تو با ما	۱۵.
			سخن گویم اگر با هر زبانی، ولی در من نباشد مهربانی	۱۶.
			سر اومد زمستون، شکفته بهارون	۱۷.
			سراییم نامت خداوند	۱۸.
			سراییم نام عیسی را	۱۹.
			سرچشمه محبت، تثلیث پاک یکتا (شهره)	۲۰.